

## ضرورت توجه به مقوله ارتباطات میان فرهنگی در جامعه ایران به منظور مواجهه صحیح با تحولات جامعه اطلاعاتی\*

دکتر مهدی محسنیان راد

ارتباطات میان فرهنگی هنگامی ظهور می کند که مردمانی با فرهنگ یا پاره فرهنگ های هویتی متفاوت، با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. (Jandt, 1995, P408). در این میان، فرد هنگامی نیازمند آگاهی از راز و رمزهای ارتباطات میان فرهنگی می شود که در یک حس فرهنگی (Cultural Sense) خود را متمایز از دیگران ببیند (Jandt, 1995, P7) و ضمناً در تلاش باشد که به مشابهت معنی در فراگرد ارتباط دست یابد (محسنیان راد، ۱۳۶۹، ص ۵۷). ارتباط میان قوم ها، نمونه ای از چنین ارتباطی است.

ایران از کشورهایی است که تنوع اقوام در آن، مشهود و بارز است. اصولاً این دیدگاه مطرح است که براساس شواهد تاریخی، در طول پنج هزار سال گذشته، ایران هیچ‌گاه مسکن قوم واحدی نبوده، بلکه همیشه اقوام گوناگونی در کنار هم در این سرزمین زندگی می‌کرده‌اند.

قوم (ethnic) یکی از انواع اساسی پاره فرهنگ‌ها (Culture Sub) محسوب می‌شود [متعاقباً توضیح داده خواهد شد که ارتباطات میان فرهنگی، اصطلاح پاره‌فرهنگ را به هیچ‌وجه اصطلاح مناسبی نمی‌داند] و مشابه نژاد (Race) است با این تفاوت که قوم در طی زمان تغییر می‌کند، در حالی که نژاد تقریباً ثابت است. (Stavnhagen, ۱۹۸۶)

گروه‌های قومی براساس مشخصه‌هایی همچون دین، زبان و ویژگی‌های جسمی (Physical features) از یکدیگر متمایز می‌شوند. (Jandt, ۱۹۹۵, P. ۱۲)

بررسی مشخصه‌های اقوام ایران نشان می‌دهد که تقسیمات مردم ایران، براساس زبان و دین صورت گرفته و نژاد نقش چندانی ندارد. اگرچه ویژگی‌های نژادی در بعضی از موارد چون ترکمن‌ها، هزاره‌ها یا بربرها چشمگیر است ولی حتی در این اقوام نیز دین و زبان نسبت به نژاد، عامل مهم‌تری است.

در برخی از کشورها، از میان اقوام مختلف، قومی بیشترین خاک سرزمین را در اختیار دارد و بر بقیه اقوام مسلط است، در حالی که این دیدگاه مطرح است که در ایران، برخلاف بعضی از کشورهای چند قومیتی، نمی‌توان از اکثریت. اقلیت گفت‌وگو کرد، زیرا هیچ گروهی به تنهایی بر همه گروه‌ها مسلط نیست و بیشترین قسمت خاک را در اختیار ندارد. با وجود تنوع قومی در ایران، مذهب شیعه و زبان فارسی به عنوان عامل وحدت ملی و همبستگی ملی شناخته شده است.

در واقع این نگاه دیرینه و جا افتاده مبتنی بر شناخت مذهب و زبان به عنوان عامل وحدت ملی، مبثی است که تاکنون به طور جدی مورد چالش قرار نگرفته است. در حالی که تحولات جهانی شدن به ویژه طی ۲۰ سال آینده، شرایطی را فراهم خواهد کرد که قطعاً این دیدگاه دیرینه در ایران را زیرسؤال خواهد برد.

اگر به پدیده اقوام در ایران، نه از پشت پنجره پایتخت و مقر حکومتی، بلکه از پشت عینک اقوام نگاه کنیم، موضوع بیشتر روشن خواهد شد. نخست آن که هر یک از اقوام ایرانی از هویت فرهنگی خاصی برخوردار است. فردای جانددت در کتاب ارتباطات میان فرهنگی در مورد هویت فرهنگی می‌نویسد: هرگاه اعضای یک جمعیت، به‌طور آگاهانه خود را یک گروه بدانند که در سلوک با یکدیگر از یک نظام مشترک نماد، معنی و هنجار برخوردارند، دارای هویت فرهنگی مشترک می‌باشند.

در واقع احساس هویت، ترکیبی است از همسانی‌ها و تمایزها (Jandt, ۱۹۹۵, P. ۸). یک مسلمان اهل سنت بلوچ یا یک عرب زبان خوزستان در مواجهه با فارس زبانان شیعه هموطن خود، احساس تمایز و در مواجهه با اعضای قوم خودی احساس همسانی می‌کند و این همان احساس قومیت است.

به دیدگاه و شیوه‌های عمل فرهنگی که اجتماع معینی از مردم را متمایز می‌کند، «قومیت» می‌گویند. اعضای گروه‌های قومی، از نظر فرهنگی خود را متمایز از گروه‌بندی‌های دیگر در جامعه می‌دانند و دیگران نیز آنان را همین‌گونه در نظر می‌گیرند. درجه این احساس همسانی و تفاوت، تحت تأثیر نوع دیالکتیک میان فرد و جامعه اوست. هرچقدر قوم‌مداری در میان اعضای قوم او و یا در میان اعضای اقوام دیگر، به ویژه اقوام مسلط، بیشتر باشد، احساس تفاوت بیشتر خواهد شد.

قوم‌مداری (ethnocentrism) عبارت است از قضاوت منفی نسبت به فرهنگ و پاره‌فرهنگ‌های دیگر براساس معیارهای فرهنگ خودی. به عبارت دیگر، قوم‌مداری یعنی ایمان به برتری فرهنگ خودی (Jandt, ۱۹۹۵, P. ۴۰۵)

در ایران، مشکلی از آنجا آغاز می‌شود که برای پاسداری از تعریفی خاص از همبستگی ملی، آگاهانه یا ناآگاهانه شرایطی ایجاد شود که سهمی از جمعیت و یا حوزه‌های قدرت. به ویژه قدرت مرکزی. به نوعی قوم‌مداری دست زند.

در این مورد شواهدی موجود است. این شواهد را می‌توان به دو دسته رویدادها و آمارها تقسیم کرد:

در مورد رویدادها، نزدیک‌ترین آن شکایت ۱۹ نماینده اهل سنت مجلس، در آذر ۱۳۸۱ به کمیسیون اصل ۹۰ است که معترض برخوردارهای گزینشی با پذیرفته‌شدگان آزمون‌های استخدامی و اخراج روحانیون اهل سنت از مساجد بوده‌اند. از رویدادهای دورتر، می‌توان به وقایع پس از نمایش آخرین قسمت سریال امام علی (ع) در برخی از مناطق سنی نشین. به ویژه کردستان. اشاره کرد. جایگزینی اشعار خاص روی موسیقی سنتی سیستان و بلوچستان از سوی رادیو و تلویزیون، پخش تفصیلی خبر نماز جماعت اقلیت شیعه زاهدان در قبال پخش خلاصه خبر نماز جمعه اکثریت اهل تسنن در آن شهر، نمونه‌هایی از رویدادهای قوم‌گرایانه و یا عواقب آن است.

در مورد آمارها، اصولاً این دیدگاه مطرح است که آگاهی از وضعیت اقوام در ایران، در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. در هیچ‌یک از سرشماری‌های کشور، تعداد اقوام و یا متکلمین به زبان‌های مختلف مورد پرسش قرار نگرفت جز یک‌بار، آن هم در پرسش‌های سرشماری ۱۳۶۵ که آن هم با وجود نهایی شدن، به دلایل خاصی که بیشتر ناشی از شرایط اوایل انقلاب و اوضاع و

احوال زمان جنگ تحمیلی بود، از جمع آوری اطلاعات مربوط به آن خودداری شد. به همین ترتیب منابع آمارهای رسمی درباره توزیع جمعیت شیعه و سنی نیز تقریباً سکوت می کنند.

سرشماری سال ۱۳۷۵ می گوید ۹۹/۵۶ درصد جمعیت مسلمان هستند. ۰/۱۳ درصد مسیحی ۰/۰۵ درصد زردشتی، ۰/۰۲ درصد کلیمی و ۰/۰۹ درصد سایر ادیان. اما این که سهم پیروان مذاهب شیعه و سنی چقدر است مشخص نیست.

در مورد جمعیت اهل سنت، در صورتی که مذهب جمعیت ساکن در استان های کردستان و سیستان و بلوچستان را سنی فرض کنیم (بنا به مصاحبه با نخبگان مناطق مذکور، در برخی از شهرها مانند چابهار، سراوان و ایرانشهر، حدود ۹۵ درصد

جمعیت اهل تسنن هستند، در حالی که این نسبت در شهرهایی مانند زاهدان به مراتب کمتر است. از آن سو بخشی از جمعیت اهل تسنن در مناطق دیگر مانند خوزستان و فارس نیز پراکنده اند) می توان به طور تقریبی به برآوردهایی دست یافت. به عنوان مثال جدول ترکیب قومی و نژادهای جهان، ۷ درصد جمعیت ایران را کرد می داند (ابوطالبی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۳). تخمین زده می شود که ۴۷ درصد کردهای ایران سنی هستند. (احمدی، ۱۳۷۸، ص ۳۲۷).

در این مورد محمد حکیم پور در یک گزارش تحقیقی می گوید که: «برخی از برآوردهای منعکس در منابع رسمی دولتی، سهم اهل تسنن در ایران را حدود ۷ درصد منابع غیررسمی ۱۵ تا ۲۰ درصد برآورد کرده اند» (حکیم پور، ۱۳۷۷، ص ۱۸).

در مورد توزیع زبان در جمعیت ایران، آمارها از شفافیت بیشتری برخوردار است. به عنوان مثال در مردادماه سال ۱۳۷۰، به هنگام صدور شناسنامه برای کودکان تازه متولد شده، درباره زبان ۴۹ هزار و ۵۵۸ مادر در سطوح کشور، سؤال مطرح شد که نتیجه

آن حاکی از سهم حضور ۵۳/۸ درصدی زبان های غیرفارسی در ایران بود. براساس نمونه گیری مذکور، توزیع سهم هر یک از زبان ها به شرح زیر بود: ۴۶/۲ درصد زبان

## ■ بررسی مشخصه های اقوام ایران نشان می دهد که تقسیمات مردم ایران، براساس زبان و دین صورت گرفته و نژاد نقش چندانی ندارد.

## ■ هرگاه اعضای یک جمعیت، به طور آگاهانه خود را یک گروه بدانند که در سلوک با یکدیگر از یک نظام مشترک نماد، معنی و هنجار برخوردارند، دارای هویت فرهنگی مشترک می باشند.

فارسی، ۲۰/۶ درصد زبان آذری، ۱۰ درصد زبان کردی، ۸/۹ درصد لری، ۷/۲ درصد گیلکی و شمالی، ۳/۵ درصد عربی ۲/۷ درصد بلوچی، ۰/۶ درصد ترکمنی، ۰/۱ درصد ارمنی و ۰/۲ سایر زبان ها. (زنجانی، ۱۳۷۹، ص ۵۳).

برخی از منابع، مکالمه کنندگان به زبان ترکی را ۲۴ درصد (ابوطالبی، ۱۳۷۷، ص ۳۱) و برخی ۲۵ درصد (ابوطالبی، ۱۳۷۵، ص ۳۱) درصد ذکر کرده اند. برآورد می شود که این نسبت در آینده به دو دلیل افزایش یابد. نخست آن که رشد جمعیت ناشی از افزایش زادوولد در استان های آذری نشین بیشتر از دیگر استان های کشور است (حکیم پور، ۱۳۷۷، ص ۳۱). دوم کاهش تمایل به سوادآموزی فارسی در میان آذری زبان هاست. آمارها، حاکی از آن است، در حالی که سهم باسوادان آذربایجان شرقی، در سرشماری سال ۱۳۵۵، در رتبه سوم استان های کشور قرار داشت، در سرشماری، ۱۳۷۰، به رتبه

بیست و سوم تنزل پیدا کرد. (حکیم پور، ۱۳۷۷، ص ۳۲). برخی از منابع، سهم ایرانیان عرب زبان را حدود ۳ درصد، سهم سایر زبان ها مانند لری، بلوچی، ترکمنی، ارمنی حدود ۱۵ درصد جمعیت و فارسی زبانان ۵۱ درصد برآورد کرده اند (ابوطالبی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۳).

به این ترتیب اگر مجموع برآوردها را با یکدیگر مقایسه کنیم می توانیم آذری زبان ها را بین ۲۰ تا ۲۵ درصد، کردی زبانان را بین ۶ تا ۹ درصد و فارسی زبانان را بین ۴۵ تا ۶۰ درصد حدس بزنیم. آمارهای زیر نشان می دهد که توزیع زبان در برنامه های درون مرزی رادیو و تلویزیون ایران به هیچ وجه متناسب با توزیع زبان در میان جمعیت نیست.

در سال ۱۳۸۰، مجموع فرستنده های رادیوهای درون مرزی در ایران، ۱۹۳ هزار و ۳۴۳ ساعت برنامه پخش کرده که ۱۷۵ هزار و ۲۸۸ ساعت آن برنامه به زبان فارسی بوده است (۹۰/۶۶ درصد) فرستنده های رادیوی آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل، زنجان و همدان ۹ هزار و ۷۲۰/۳۸

ساعت برنامه به زبان ترکی، فرستنده های رادیوی خوزستان ۱۳۱۵ ساعت به زبان عربی، فرستنده های آذربایجان غربی، ایلام، کردستان،

زبان	سهم زبان در رادیو	سهم زبان در تلویزیون	سهم زبان در رادیو و تلویزیون	سهم زبان در جمعیت (تقریبی)
فارسی	۹۰/۶۶	۹۵/۷۱	۹۲/۵۰	۵۲/۵
ترکی	۵/۰۳	۲/۴۴	۲/۴۵	۲۲/۵
کردی	۲/۵۰	-/۵۳	۱/۷۹	۷/۵
عربی	-/۶۸	-/۱۷	-/۴۹	۳/۵
سایر	۱/۱۳	-/۱۵	-/۷۷	۱۴/-
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

کرمانشاه، مهاباد و خراسان ۴ هزار و ۸۴۳/۰۸ ساعت برنامه به زبان کردی پخش کرده‌اند. سهم برنامه به سایر زبان‌ها دو هزار و ۱۷۶/۵ ساعت بوده است. (گزارش عملکرد، ۱۳۸۰، صص ۷۲ و ۸۸)

در همان سال، مجموع فرستنده‌های درون مرزی تلویزیون در ایران، ۱۰۹ هزار و ۶۷۷/۹ ساعت برنامه پخش کرده‌اند که ۱۰۴ هزار و ۹۷۲/۱ ساعت آن (۹۵/۸۶ درصد) به زبان فارسی بوده است. فرستنده‌های آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل و زنجان در مجموع سه هزار و ۷۳۳/۹ ساعت برنامه به زبان ترکی، فرستنده‌های ایلام، کردستان، مهاباد و آذربایجان غربی ۵۷۳/۲ ساعت به زبان کردی و فرستنده خوزستان ۱۸۳/۵ ساعت برنامه به زبان عربی پخش کرده‌اند. سهم برنامه به سایر زبان‌ها ۱۶۵/۲ ساعت بوده است.

در جدول زیر سهم زبان‌های اقوام ایرانی در رادیو و تلویزیون ایران، در سال ۱۳۸۰ نشان داده شده است:

جدول فوق می‌گوید، در حالی که ۲۲/۵ درصد جمعیت ایران ترک‌زبان هستند، سهم برنامه‌های ترکی رادیو و تلویزیون فقط ۴/۴۵ درصد است (پنج برابر کمتر) این نسبت‌ها برای زبان کردی چهار برابر و عربی هفت برابر است.

این‌که چه سهمی از محتوای سالانه ۳۰۳ هزار و ۱۱ ساعت برنامه رادیو و تلویزیون در ایران در تأیید یا علیه ارزش‌های اقوام مذهبی ایرانی است اطلاعات دقیقی در دست نیست ولی شواهد حاکی از آن است که حداقل در بیست و یکم رمضان و سوم جمادی‌الثانی هر سال موافق ارزش‌های مذهبی اقوام اهل تسنن ایران نیست و می‌توان انتظار داشت که سهم عمده‌ای از برنامه‌های دینی و مذهبی رادیو و تلویزیون در ایران، چه در برنامه‌های آموزشی و چه خبری و یا سرگرم‌کننده، متمرکز بر ارزش‌ها و اعتقادات شیعه است.

این وضعیت شرایطی را ایجاد کرده که از نوع ارتباطات افقی نیست و تنها شباهت آن با ارتباطات افقی، همان است که در دهه ۱۹۷۰، در ادبیات مربوط به جریان یکسویه برنامه‌های تلویزیونی کشورهای پیشرفته به سوی کشورهای در حال توسعه با اصطلاح «خیابان یکطرفه» توصیف می‌شود. در حالی که به نظر می‌رسد تاکنون وضعیت ارتباطات میان فرهنگی در حوزه مذکور، در ایران از نوع ارتباطات افقی نبوده و بیشتر شکل «ارتباطات عمودی» را

■ **هویت ملی برای هر فرد، روبه‌رو شدن با این سوالات است که به چه جامعه‌ای و به چه ساختار مادی و معنوی تعلق دارد؟**

■ **هرگاه قدرت تنزل یابد، تمایل به طرد تمایزهای نابرابرانه افزایش می‌یابد و به همین دلیل گفته می‌شود به دنبال فروپاشی هر امپراتوری، قومیت‌ها تجدید حیات کرده‌اند.**

داشته است.

به‌نظر می‌رسد که ترکیب خیابان یک‌طرفه و ارتباط عمودی، ترکیب نادری است که مشابه آن را می‌توان فقط در جوامعی یافت که اقلیت‌های فرهنگی، از جمله زبانی و مذهبی، بدون آن‌که به منابع جایگزین دسترسی داشته باشند، در حصار این خیابان یک‌طرفه عمودی قرار بگیرند. به این ترتیب در چنین شرایطی، آنها را می‌توان «مخاطبان ناخشنود» نامید. مخاطبانی که هرگاه قدرت‌گزینی آنان بالا برود، می‌توان انتظار داشت که به‌طور ارادی از این که مخاطب منابع ناخشنودی باشند، اجتناب کنند.

ادبیات ارتباطات میان فرهنگی می‌گوید، یکی از موانع بزرگ این‌گونه از ارتباطات وقتی است که گروهی با قدرت بیشتر، استفاده از زبان خود را بر دیگران تحمیل کنند.

(Jandt, 1995, P14)

تحمیل زبان فارسی بر سایر زبان‌های اقوام ایرانی و یا قوم‌مداری زبانی در رادیو و تلویزیون ایران، پیشینه‌ای به مراتب بیشتر از دو دهه مربوط به دوران انقلاب اسلامی دارد. در واقع منشاء آن، ترادف یکسانی زبان و مذهب با همبستگی ملی است. این امر در همه کشورهای جهان سوم رایج نیست. به عنوان مثال هند کشوری است که مردم آن به ۲۰ زبان اصلی سخن می‌گویند و از رسانه‌های گوناگونی که به زبان خودشان باشد، استفاده می‌کنند که در این میان زبان‌های هندی اردو، بنگالی، ملایالامی، مراتی، گجراتی، کاندایی، تلگو و تامیلی به عنوان زبان رسمی شناخته شده (پارتا سارانی، ۱۳۸۱، صص ۳۱۵-۳۶۲) و طبق مقررات و قوانین رسمی کشور، هر فردی در انتخاب زبان برای فعالیت‌های اداری و آموزشی خود، از میان هر یک از زبان‌های رسمی آزاد است. به عنوان مثال هر شهروندی مجاز است که دادخواست خود را به مراجع حقوقی به هر یک از زبان‌های مذکور ارائه دهد. (Jandt, 1995, P12) در حالی که اگر همبستگی ملی را برخوردار از اشتراک هویت ملی بدانیم، خواهیم دید که چنین هویتی فراتر از زبان و مذهب است.

دکتر شاپور رواسانی در کتاب زمینه‌های اجتماعی هویت ملی می‌نویسد: در تعریف «هویت ملی» تکیه بر زبان، دین و تاریخ مشترک، انکاء درستی نیست. زیرا چنین انگایی دور شدن از واقعیات تاریخی و اجتماعی است. در تعریف هویت ملی باید به مبارزات حق‌طلبانه و عدالت‌خواهانه طبقات محروم در تمام

و نسبت به کدام بخش احساس جدایی می‌کند؟ و چرا؟ کدام پیوند فرهنگ معنوی و یا مادی او را به کدام بخش از جامعه پیوند می‌دهد و از کدام بخش جدا می‌سازد؟

کدام بخش از فرهنگ مادی و یا معنوی این جامعه، او را می‌پذیرد و چه بخشی او را نمی‌می‌پذیرد؟ او به چه بخشی از جامعه احساس تعلق می‌کند و با کدام بخش بیگانه است؟ و با چه بخشی خصومت دارد؟ آیا او وظایف و تعهدات خود را در برابر جامعه انجام داده است؟ و آیا جامعه حقوق او را رعایت کرده و می‌کند؟ آیا در روابط او با جامعه، مسأله ظلم و ستم‌های معنوی و یا مادی مطرح بوده و یا مطرح هست؟ و او برای جامعه خود چه آینده‌ای را می‌خواهد؟ (رواسانی، ۱۳۸۰، صص ۲۶-۲۵)

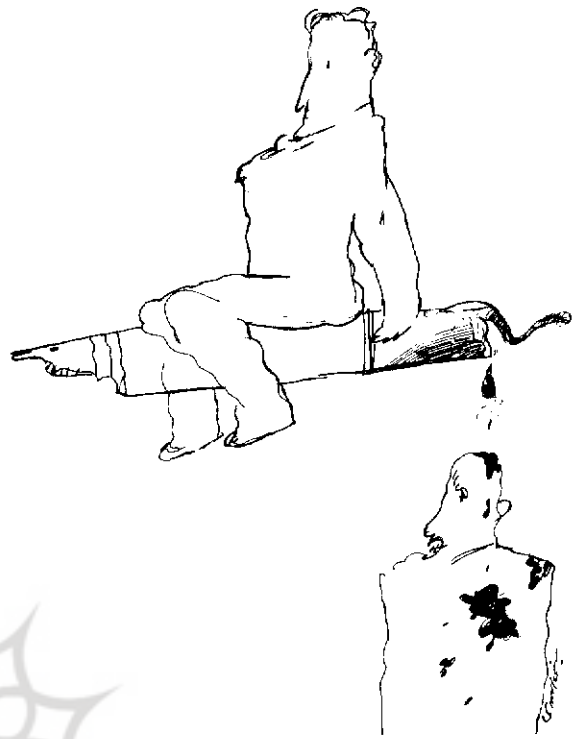
نگاهی به سؤالات مذکور نشان می‌دهد که درجه نابرابری‌ها و تمایزهایی از عوامل اصلی لطمه به هویت ملی است.

گفته می‌شود که مبادلات فرهنگی نابرابر میان مرکز و اقوام، موجب ایجاد تراز منفی اقلیت‌های قومی در این دادوستد در یک عرصه نابرابر خواهد شد. این امر مشابه وضعیتی است که میان شمال و جنوب توصیف شده است. تسری این دیدگاه به حوزه مناسبات قومی ناشی از این برداشت است که در برخی از کشورهای چندقومی، گونه‌های مشابهی از ارزش مازاد در مبادلات فرهنگی میان مراکز قدرت و مناطق پیرامون وجود دارد. این تراز منفی در درازمدت نتیجه‌ای جز تعارض و بحران نخواهد داشت.

تراز منفی، در واقع نمادی از نابرابری است. در حالی که نظریه‌های مربوط به ارتباطات میان فرهنگی معتقد است که این‌گونه از نابرابری‌ها، طوری باید حذف شود که حتی از به کارگیری اصطلاح جاافتاده و قدیمی پاره فرهنگی (Sub Culture) نیز اجتناب شود و به جای آن اصطلاح هم فرهنگی (Co-Culture) رواج یابد. زیرا اصطلاح پاره فرهنگ، در درون خود حکایت از وجود یک کل و یک جزء، یک اصل و یک فرع، یک مهم و یک کم اهمیت است. گویی پاره فرهنگ یک فرهنگ فرعی و ثانویه است، در حالی که به کارگیری «هم فرهنگی» نماینده رابطه‌ای دوجانبه است. (Jandt, ۱۹۹۵, ۳۱۳)

از آن سو باید اقوام زبانی و مذهبی ایران را به مشارکت فرهنگی یعنی شرکت داوطلبانه، ارادی و آگاهانه آنان در ابعاد گوناگون زندگی فرهنگی جامعه، به منظور گسترش توسعه پایدار، متوازن و همه جانبه زندگی فرهنگی دعوت کرد و باید مراقب بود که مقصود از شرکت داوطلبانه، حضوری است فعالانه و با انگیزه، و از همه مهم‌تر فارغ از الزامات، و تعیین‌های تحمیلی (کوثری، ۱۳۷۹، صص ۲۲-۲۳).

این دعوت نیازمند آن است که «حقوق فرهنگی» از سوی



طول تاریخ توجه کرد. به عبارت دیگر در جامعه‌ای که عدالت حاکم نباشد، گروه حاکم از یکسو بر حقوق دینی، سیاسی و اقتصادی گروه‌های دیگر خدشه وارد می‌کند و از سوی دیگر در لباس نمایندگی از سوی اکثریت، چنین خدشه‌ای را در ابعادی گسترده‌تر بر اقلیت‌های قومی، زبانی و مذهبی وارد می‌کند. در چنین شرایطی، هویت ملی در همه اجزاء ساختاری دچار بحران و تزلزل خواهد شد. زیرا تضاد در حرف و عمل، به اعتقادات توده لطمه می‌زند.

در واقع هویت ملی برای هر فرد، مواجه شدن او با سؤالاتی اساسی است که در دل آنها، مقوله زبان و مذهب نیز جای می‌گیرد. رواسانی بخشی از این سؤالات را این‌گونه مطرح کرده است:

«هویت ملی برای هر فرد، روبه‌رو شدن با این سؤالات است که به چه جامعه‌ای و با چه ساختار مادی و معنوی تعلق دارد؟ کدام روابط معنوی و مادی، او را به این جامعه و این جامعه را به او پیوند می‌دهد؟ و چرا او خود را بخشی و جزئی از این جامعه احساس می‌کند؟ و این احساس تعلق چه تعهداتی برای او و جامعه ایجاد می‌کند؟ و کدام روابط مادی و معنوی او را از جامعه جدا و بیگانه می‌کند؟ و چه روابطی او را دور و جدانگه می‌دارد؟ گذشته مشترک او با این جامعه چیست؟ آیا او با کل این جامعه، گذشته تاریخی مشترک دارد و یا با بخشی از آن؟ در این صورت کدام بخش و چرا؟ او به کدام بخش از گذشته تاریخی تعلق دارد؟

نظام جمهوری اسلامی کاملاً پشتیبانی شود. (حقوق فرهنگی عبارت است از دسترسی همه انسان‌ها به حق استفاده از فرآورده‌های فرهنگی و حق مشارکت در امر تولید فرهنگی) (اجلالی، ۱۳۷۹، ص ۲۹).

تراز منفی، نمادی از نوعی استثمار یعنی استثمار درون کشوری است. رواسانی چنین استثماری را این‌گونه توصیف می‌کند که در برخی از جوامع، اقلیت‌ها به ویژه اقلیت‌های دینی و مذهبی و مسلکی دچار نوعی استثمار درون کشوری هستند. در این جوامع استثمارکنندگان با به‌کار بردن ترفندها و شیوه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و حتی توسل به زور، مانع شکل‌گیری و ارتقای آگاهی طبقاتی استثمارکنندگان جامعه می‌شوند.

در واقع منبع قوم‌مداری منتج به استثمار درون کشوری، قدرت است نه فرهنگ و این همان نکته‌ای است که می‌گوید هر جاتفاوت باشد، قدرت وجود دارد و دارندگان قدرت هستند که درباره معنای تفاوت تصمیم می‌گیرند (گل محمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۷). از آن سو، هرگاه قدرت تنزل یابد، تمایل به طرد تمایزهای نابرابرانه افزایش می‌یابد و به همین دلیل گفته می‌شود به دنبال فروپاشی هر امپراتوری، قومیت‌ها تجدید حیات کرده‌اند. (رکس، ۱۳۸۰، ص ۱۶۴).

یکی از ویژگی‌های جامعه اطلاعاتی، افزایش روبه رشد هشیاری اطلاعاتی جهانیان خواهد بود. آگاهی‌های قومی، فرهنگی بخشی از هشیاری اطلاعاتی خواهد بود که موجب تقویت نیروهای گریز از مرکز خواهد شد. گسترش ارتباطات سبب افزایش آگاهی‌های فرهنگی گروه‌های قومی و آشنایی با وجود تفاوت‌ها و اختلافات میان اقوام می‌شود. هنگامی که دولت مرکزی در صدد بسط نفوذ فرهنگی خویش در مناطق قومی برمی‌آید، واکنش خصمانه اقلیت‌های قومی شروع می‌شود. (سیدامامی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۳-۴).

تا دهه ۱۹۷۰، تک صدایی، عرف متداول و معمول در عرصه فرهنگ و ارتباطات بوده است و صحنه‌گردان اصلی این عرصه نیز اغلب، دولت‌ها بوده‌اند. آنها عملیات مستمر و دیرینه عمیق کردن نفوذ و اقتدار خود در محدوده مرزهای ملی را به طریق پی‌گیری الگوهای یکسان فرهنگی اجرا کرده‌اند. دولت‌ها با اجرای نظام واحد تعلیم و تربیت، یکسان‌سازی زبانی،

■ جهانی شدن عبارت است از برقراری پیوندها و ارتباطات متقابل میان جوامع و بدون تردید، فرهنگ مهم‌ترین جزء جهانی شدن است. زیرا فرهنگ، محوری‌ترین پیوند میان ملت‌ها و مکان‌هاست.

■ هنگامی که می‌خواهیم درباره تحولات ۲۰ سال آینده در حوزه سخت‌افزاری جهانی شدن بیندیشیم، شواهد حاکی از قضایایی فراتر از کانال‌های ماهواره‌ای و اینترنت است.

تاریخ‌سازی‌های غیرواقعی، بزرگ‌نمایی‌های تاریخی، اسطوره‌پردازی و اسطوره‌یابی، تبارشناسی ملی با ریشه‌های کهن و با عظمت نژادی، قومی و تمدنی و انحصاری کردن رسانه‌ها، به ویژه رادیو و تلویزیون، هویت خواهی‌های خرد را حذف کرده یا به حاشیه رانده و ارزش‌های فرهنگی نظام سیاسی و ایدئولوژیکی حاکم را تحمیل می‌کرده‌اند. فرایند جهانی‌شدن، در این توانایی و انحصار تغییرات مهمی ایجاد خواهد کرد که یکی از پیامدهای آن در آینده، هویت‌خواهی‌های فرهنگی در برابر سازوکار سنتی دولت‌هاست. (مقصودی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۰-۱).

می‌دانیم جهانی‌شدن عبارت است از برقراری پیوندها و ارتباطات متقابل میان جوامع و بدون تردید، فرهنگ مهم‌ترین جزء جهانی شدن است. زیرا فرهنگ، محوری‌ترین پیوند میان ملت‌ها و مکان‌هاست. (Held, ۲۰۰۰, P. ۴۸)

به عبارت دیگر انتظار می‌رود اقوام مذهبی و زبانی در ایران در طی دو دهه آینده و در شرایط توسعه جهانی شدن بتوانند از طریق تحولات فناوری که در پیش است، برای دستیابی به تفاهم مشترک و گریز از تمایزهای استثمارگرانه، به پیوندهای فرامکانی حاضر دست یابند. این پیوندها الزاماً نیاز به جابه‌جایی‌های جغرافیایی نخواهد داشت. شکل‌گیری جوامع مجازی قومی، نمونه‌ای از چنین پیوندهایی در آینده است. در این مورد دیوید جی ال‌کینس می‌گوید: «جوامع مجازی قومی (Virtual ethnic Communities) جوامع پراکنده جغرافیایی خواهند بود که به دلیل اشتراکات فرهنگی از طریق تکنولوژی‌های نوین ارتباطی، نظیر کانال‌های تلویزیون ماهواره‌ای، اینترنت، پست الکترونیکی و... به یکدیگر مرتبط خواهند شد. انتظار می‌رود این ارتباط با وجود صفت مجازی آن فعال، پویا و زنده باشد و در صورت لزوم، منتهی به هماهنگی حتی در حد شکل‌گیری گروه‌های فشار برای دفاع از حقوق یکدیگر شود. ال‌کینس تأکید می‌کند که در آینده، تشکیل گروه‌های قومی مجازی می‌تواند، حاکمیت و قدرت دولت‌های مسلط بر اقوام مذکور را به چالش بخواند. (Elkins, ۱۹۹۷, pp ۱۳۹-۱۴۲)

هنگامی که می‌خواهیم درباره تحولات ۲۰ سال آینده در



از آن سو حجم ذخیره سازی اطلاعات نیز فرایندی در حال افزایش است. سال ۱۹۷۹، مقدار اطلاعات قابل ذخیره روی یک فلاپی دیسکت معادل ۱۲ مگابایت (MB) بود. در حالی که اکنون مقدار ذخیره اطلاعات بر روی لوح فشرده ای با همان ابعاد ۷۰۰ برابر بیشتر شده است. ۲۰ سال دیگر قطعاً ظرفیت های فوق افزایش های چشم گیری خواهد داشت در آن شرایط، راه برای جست و جوی اطلاعات نیز بسیار بیشتر خواهد بود زیرا فناوری ابرمتن (Hyper Text) این امکان را فراهم خواهد کرد که انسان در میان کهکشانی از اطلاعات، بدون مداخله دولت ها، سیروسفر و گزینش کند. در آن شرایط قطعاً اقوام زبانی و اقوام مذهبی کاملاً از انزوا خارج خواهند شد.

اما به نظر می رسد که تا سال ۱۴۰۰ ش، عامل زبان (به عنوان یکی از سه عامل اصلی تفکیک اقوام)، اهمیت خود را از دست خواهد داد. زیرا هم اکنون نیز دستگاه های اولیه ای ساخته شده که قادر به ترجمه همزمان است. انتظار می رود که رشد دانش هوش مصنوعی ظرف ۲۰ سال آینده امکان استفاده از تولیدات فرهنگی همه زبان ها را برای گیرندگان مختلف فراهم کند از آن سو انتظار می رود عامل دین و مذهب در تفکیک اقوام اهمیت بیشتری یابد.

اصولاً تا چند دهه پیش، نظریه پردازان مارکسیست و همچنین نظریه پردازان نوسازی، پیش بینی می کردند که جوامع جهان سوم به طور فزاینده ای در مسیر نادینی گری (Secularism) قرار گرفته اند،

حوزه سخت افزاری جهانی شدن بیندیشیم، شواهد حاکی از قضایایی فراتر از کانال های ماهواره ای و اینترنت است.

تا یک دهه پیش، DBS یا ماهواره های پخش مستقیم برنامه های تلویزیونی از طریق ماهواره قادر بودند که ۱۰ تا ۱۵ کانال تلویزیونی را پوشش دهند در حالی که تبدیل شیوه پخش آنالوگ به دیجیتال این امکان را فراهم کرد که با همان ماهواره، بتوان تا ۱۵۰ کانال را پوشش داد. ضمن آن که صدا و تصویر نیز به مراتب از کیفیت بهتری برخوردار شد.

تحولات فناوری، سوای افزایش سنگین حجم، پیام در دسترس، امکان گزینش را تا حد زمان دریافت نیز افزایش داد. نمونه این توانایی را می توان در تلویزیون تعاملی (Interactiv.TV) دید. پیش از این تلویزیون های کابلی امکان گزینگری بیشتری در مقایسه با تلویزیون های سنتی در اختیار مخاطبان قرار داد. اما با به کارگیری کابل های فیبرنوری به جای کابل های سنتی و استفاده از شیوه رقومی به جای آنالوگ و ترکیب گیرنده، تلویزیون با کامپیوتر شرایط ایجاد تلویزیون تعاملی فراهم شد.

قطعاً در آینده ای نه چندان دور، چنین سیستمی وارد شبکه جهانی وب (World Wide Web) خواهد شد. آنگاه پدیده ای به وجود می آید که آن را تلویزیون جهان گستر (T.V.Web) نامیده اند. در آن شرایط مجموعه کم نظیری از ارتباطات دو سویه و افقی فراهم خواهد شد. هر فرد از ساکنان کره زمین با داشتن یک دوربین کوچک دیجیتالی خواهد توانست صدا و تصویر متحرک را به هر نقطه جهان برساند. در واقع در آن زمان جهانیان شاهد حضور میلیون ها فرستنده کوچک تلویزیونی خواهند بود.

در آن زمان جهانیان از افزایش پدیده رؤیت پذیری منابع قدرت نیز استفاده خواهند کرد و شرایطی فراهم خواهد شد که ارتباطات عمودی و قیم مآبانه مرکز به اطراف، دچار اختلال های جدی شود. می دانیم که قبل از رسانه ها، دربار، مجالس و اندرونی ها بسته و غیر قابل دسترس عامه بود، این که آنان چگونه و تا چه حد در برابر عرایای خود ظاهر شوند، تابع خواست خودشان بود. با ایجاد رسانه ها به ویژه تلویزیون این محدودیت بسیار کاهش یافت و چگونگی آن نیز در اختیار مشاوران روابط عمومی منابع قدرت قرار گرفت، لیکن به تدریج اولین دسترسی های ناخواسته اما جدی و گاهی گسترده آغاز شد.

پخش مراسم آخرین ژانویه قبل از انقلاب ایران، با حضور خانواده سلطنتی ایران و رئیس جمهور آمریکا در تهران از تلویزیون از نمونه های «گاف اطلاعات» و انتشار ماجرای مونیخا لویسکی از نمونه های «درز اطلاعات» بود. به نظر می رسد که ظرف ۲۰ سال آینده امکانات درز اطلاعات بسیار گسترده تر از امروز شود.

در حالی که اکنون، اهمیت مداوم و حتی روزافزون دین در عرصه سیاست کشورهای جهان سوم به خوبی نمایان است. (هنیس، ۱۳۸۱، ص ۹۳).

در واقع توسعه فناوری‌ها باعث خواهد شد که تمایزها و اشتراک‌ها در حوزه ادیان، مذاهب و مسلک‌های سیاسی بیشتر نمود کند و در این میان انتظار می‌رود ادامه روند تک صدایی، تبعیض و تجاوز به حریم ارزش‌های مذاهب دیگر در رابطه میان اکثریت و اقلیت‌های مذهبی بحران ایجاد کند.

متأسفانه عداوت‌های دیرینه میان مذاهب اسلام به ویژه شیعه و سنی یکی از اساسی‌ترین علل فراهم شدن شرایط سلطه بر آنها بوده است. در این مورد جف هنیس در کتاب دین، جهانی شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم می‌نویسد:

«در جامعه اسلامی یا امت، اگرچه عناصری همچون احساسات، هویت و باورهای مشترک، به ویژه در ارتباط با مقوله فرهنگ، مسلمانان را به یکدیگر پیوند می‌دهد، اما اختلافات میان تفاسیر سنی و شیعه موجب شده است تا اساساً دو دستگی وارد جوامع اسلامی شود. با این‌که انقلاب ایران به جریان بیداری اسلام افراطی سرعت بخشید، لیکن چون یک انقلاب شیعی محسوب می‌شد، پیروی از آن برای مسلمانان سنی دشوار آمد.» او تأکید می‌کند که به هر حال جامعه اسلامی در جهان معاصر، یک جامعه فراملی کهن و پیش از جهانی شدن است. این جامعه، نمونه‌ای روشن از یک جامعه مدنی فراملی است که با پیروانند بذر سلطه و اعتراض در درون خود، به مقابله با فشارهای دو موج جهانی شدن و ملی شدن پرداخته است. (هنیس، ۱۳۸۱، ص ۴۱۵)

به هر حال کارشناسان بر این باورند که رسانه‌ها در آینده، در فرایند خلق و ایجاد عرصه‌های ویژه‌ای که هویت‌ها و منازعات مذهبی و سیاسی، حول آن شکل می‌گیرد، سهم بسزایی دارند. (راندال، ۱۳۸۱، ص ۱۳۰).

مذاهب اسلامی در شرایط جهانی شدن، به ویژه در دهه‌های آینده باید به تفاهم، انکشاف حقیقت، استغنا، حقایق پیشین، ترویج و بلوغ فکری، شناخت آراء و نظریه‌های دیگران و مواضع آنها، اطلاع از تفکر، مشی و منش پیروان مذاهب غیر خودی و اصولاً حذف اصطلاح خودی و غیر خودی از طرز تفکر و تلقی خویش اقدام کنند.

مسئله اصلی آن است که شرایط سخت‌افزارهای چنین تفاهمی فراهم شده، مشکل نرم‌افزارهای قضیه است به عنوان مثال: هم‌اکنون حداقل ۱۹۷ سایت درباره اعتقادات و ارزش‌های اسلامی و مذاهب اسلامی، ۳۴ سایت برای تعلیم و تربیت اسلامی، ۷۲ سایت برای منابع اسلامی و ۳۲ سایت درباره سازمان‌های اسلامی در دسترس است. ضمن آن که می‌توان

سایت‌هایی را یافت که به روابط شیعه و سنی و مقایسه مذاهب پرداخته است. (غراب، ۱۳۷۹، ص ۴۹۸۹).

در سال‌های آینده، باید مراقب بود که ساده‌انگاری‌ها و عدم درک شرایط همراه با پیش‌بینی‌های شعارگونه نادرست که در حوزه تحولات رسانه‌ای طی دو دهه گذشته در ایران به وقوع پیوست، دیگر تکرار نشود. به عنوان مثال، اردیبهشت ۱۳۷۳، وزیر وقت ارشاد اسلامی در مصاحبه‌ای گفت: ماهواره در چنگ ماست و از این بابت نگرانی نداریم (همشهری، ۱۳۷۳/۲/۱۴) این در حالی بود که برآوردها وجود بیش از ۲۵۰ هزار آنتن گیرنده تلویزیون ماهواره‌ای در ایران را نشان می‌داد. (ارجمندی، ۱۳۷۸، ص ۷۴) دو سال بعد از این مصاحبه، اولین کانال ماهواره‌ای به زبان فارسی امواج خود را وارد ایران کرد و اکنون حداقل هفت کانال ماهواره‌ای فارسی در حال دریافت به وسیله صدها هزار گیرنده ماهواره‌ای در کشور است. از آن سو، به دلیل وضعیت کوهستانی ایران، ما هنوز نتوانسته‌ایم پوشش تلویزیونی داخل کشور خود را کامل و صددرصد کنیم و هنوز بسیاری از مناطق روستایی پراکنده و دورافتاده کشور، خارج از پوشش تلویزیون داخلی هستند (ارجمندی، ۱۳۷۸، ص ۷۹). این در حالی است که به زودی گیرنده‌های تلویزیون قوی قادر خواهند بود که تا ۳۰۰ فرستنده ماهواره‌ای را از فراز ایران دریافت کنند. به این ترتیب می‌توان گفت که تا سال ۱۴۰۰ ه. ش، توسعه فناوری‌های ارتباطات، همراه با گسترش توجه به ارتباطات میان فرهنگی در کشورهای دیگر، رعایت قواعد آن در جهان، ضمن شکل‌گیری بازار بسیار متنوع پیام، قدرت گزینشگری مخاطبان را بسیار افزایش خواهد داد و قطعاً این قدرت سبب خواهد شد که مخاطبان ناخشنود ناشی از ارتباطات عمودی و یکطرفه درون کشوری، خود را در معرض پیام‌هایی قرار دهند که علاوه بر مشابهت زبانی، فاقد پروپاگاندا‌ی مذهبی دیگر و دارای نگاه ارزشی به مذهب آنان باشد. اگر در ایران، از هم‌اکنون توجه به رعایت قواعد ارتباطات میان فرهنگی توسعه نیابد، در آینده کشور بسا چالش‌هایی مواجه خواهد شد که متناسب با همبستگی ملی نیست. □

\* این مقاله به سفارش همایش علمی ایران جامعه اطلاعاتی در سال ۱۴۰۰ ه. ش که آذرماه سال ۱۳۸۱ در تهران برگزار شد، تهیه شده و خلاصه آن نیز در همایش یاد شده ارائه گردیده است.